

### متن پرسش

سلام: در مورد جریان حضرت ابراهیم (ع) که ستاره و ماه و خورشید را رب خود معرفی کردند، بنده اکثر تفاسیر معتبر شیعه از جمله المیزان و... را مطالعه کردم ولی هیچ کدام قانع کننده نبود. تا اینکه به این متن از یکی از علمای گمنام عراق برخورد کردم، می خواستم نظر شما را درباره آن بدانم: سوال: چگونه ابراهیم می گوید ستاره، ماه و خورشید پروردگار من است؟ چگونه سزاوار است که پیامبری از پیامبران اولو العزم همانند ابراهیم (ع)، ستاره، ماه یا خورشید را پروردگار خود بخواند؟! جواب: کسی که گمان کند این سخن در عالم شهادت یعنی در این دنیا از ابراهیم (ع) حاصل شده، دچار پندار و توهم است، هرچند ممکن است ابراهیم (ع) آن را در زندگی این دنیا تکرار کرده باشد؛ به جهت نکوهش قومش که این ستارگان یا ارواح حرکت دهنده شان را می پرستیدند. (۱) واقعیت آن است که انوار قدسی محمد و آل محمد، صاحبان عقل های کامل از انبیای بزرگوار و ملائکه ای کرام را حیرت زده کرده است (۲) تا حدی که گمان بردند ایشان (ع) خدای دانای سبحان می باشند. (۳) هنگامی که ملکوت آسمان ها برای ابراهیم (ع) گشوده شد، و نور قائم (ع) را دید گفت: این پروردگار من است، و هنگامی که نور علی (ع) را دید گفت: این پروردگار من است، و هنگامی که نور محمد (ص) را دید گفت: این پروردگار من است. ابراهیم (ع) نتوانست بفهمد که این ها بندگان اند، مگر پس از آن که حقایق آن ها برایش کشف شد. (۴) و اقول آن ها و غیبت شان از ذات الهی و بازگشت شان به منیت در لحظه هایی، نمودار گشت. فقط در آن هنگام بود که به آن که آسمان ها را پدیدار ساخته است روی آورد و آن گاه دانست که ایشان (ع) «مخلوقات خداوند هستند و خلق پس از خلقت ایشان می باشد»، همان طور که در حدیث از ایشان (ع) روایت شده است. (۵) ابراهیم (ع) را عذری است. در دعای ایام رجب از امام مهدی (ع) در توصیف محمد و آل محمد (ع) چنین وارد شده است: «میان تو و آن ها جدایی نیست؛ جز این که آنان بنده و مخلوق تو هستند». (۶) پس منزه است پروردگارت، پروردگار عزت، از هر آنچه به وصفش می گویند، و سلام بر محمد و خاندان طاهر او، و ستایش خاص پروردگار جهانیان است. خداوند متعال می فرماید: «وَكَذَلِكَ نُرِي اِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ \* فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْاَفْلِينَ (۷) \* فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ \* فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ اِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ \* اِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضَ حَنِيفًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (۸) «و این چنین ملکوت آسمان ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا از اهل یقین گردد \* چون شب او را فرو گرفت، ستاره ای دید. گفت: این است

پروردگار من. چون فرو شد، گفت: فروشوندگان را دوست ندارم. \* آن‌گاه ماه را دید که طلوع می‌کند، گفت: این است پروردگار من. چون فرو شد، گفت: اگر پروردگار من مرا راه ننماید، از گمراهان خواهم بود. \* و چون خورشید را دید که طلوع می‌کند، گفت: این است پروردگار من، این بزرگ‌تر است و چون فرو شد، گفت: ای قوم من، من از آن‌چه شریک خدایش می‌دانید بیزارم). تفسیر سخن ابراهیم به این‌که در این زندگانی دنیا و در عالم شهادت و برای احتجاج بر پرستش‌کنندگان ستارگان یا بندگان خورشید به طور خاص بوده است، با آن‌چه پیش‌تر گفته شد منافاتی ندارد. همان‌طور که در روایت وارد شده در تفسیر این آیه اشاره دارد به این‌که ماجرا در همین زندگی دنیوی بوده است؛ تفسیری که از امام رضا (ع) روایت شده است برای احتجاج بر مأمون عباسی (لعنت الله علیه) بوده مبنی بر این‌که پیامبران معصوم می‌باشند. اگر امام (ع) درباره‌ی ملکوت سخن می‌گفت، مأمون عباسی کجا می‌توانست سخن امام را بفهمد و دریابد؟! علاوه بر این، مأمون ستیزه‌جو، جدل‌بیشه بود و می‌خواست با این پرسش بر امام احتجاج کند و قصد وی فهمیدن مطلب نبود. در ضمن اگر به امام رضا (ع) می‌گفت بیش‌تر بفرماید، امام رضا (ع) بیش‌تر سخن می‌فرمود. علاوه بر این، سبک و سیاق قرآن دلالت دارد بر این‌که دیدن ستاره، ماه و خورشید توسط ابراهیم (ع)، رؤیتی ملکوتی بوده است؛ سخن در این خصوص پس از سخن در مورد نشان دادن ملکوت آسمان‌ها به ابراهیم (ع) آمده است. در تفسیر قمی آمده است: گفت: از امام صادق (ع) درباره‌ی سخن ابراهیم که به غیر خدا گفت «هذا ربّی» پرسیدند؛ آیا او با این گفته مشرک شد؟ فرمود: «هرکس امروز چنین بگوید مشرک است ولی از ابراهیم شرکی سر زده است؛ چرا که ابراهیم در جست‌وجوی پروردگارش بوده است، ولی بیان این جمله از دیگری، شرک محسوب می‌شود». (۹) عیاشی نیز این حدیث را روایت کرده و به نقل از یکی از آن دو چنین افزوده است: «او فقط در طلب پروردگارش بود و به کفر نرسید و اگر هر انسانی در چنین شرایطی چنین تصویری کند در جایگاه او قرار می‌گیرد». (۱۰) اگر این گفته‌ی «هذا ربّی» در عالم شهادت یعنی در این حیات دنیوی می‌بود و از جست‌وجوی پروردگار ناشی می‌شد، به طور قطع شرک به حساب می‌آمد، و فرقی در صادر شدن آن از ابراهیم (ع) یا شخصی دیگر وجود نداشت. آری، صادر شدن آن از ابراهیم (ع) شرک محسوب نمی‌شود؛ چرا که پس از کشف شدن ملکوت آسمان‌ها و زمین برای ابراهیم (ع)، این عمل، جست‌وجویی ملکوتی و روحانی بود؛ ولی اگر از غیر ابراهیم (ع) سر بزند شرک محسوب می‌شود؛ چرا که جست‌وجو در عالم شهادت در این زندگی دنیوی و اجسام موجود در آن می‌باشد. سپس امام (ع) بیان می‌فرماید کسی که در ملکوت به دنبال پروردگار است مشرک نیست بلکه او در جایگاه و مقام ابراهیم (ع) می‌باشد. «به طور قطع امر ما سخت و چالش‌برانگیز است که کسی جز نبی مرسل (فرستاده‌شده) یا ملک مقرب یا مؤمنی که خداوند قلبش را برای ایمان آزموده است، نمی‌تواند تحملش کند». ([۱۱]) آری، چرا که او مؤمنی بود که خداوند قلبش را برای ایمان آزموده بود.

باسمه تعالی: سلام علیکم: حضرت امام خمینی نیز نظرشان همین است که حضرت ابراهیم علیه السلام ملکوت ستاره و ماه و خورشید را رؤیت کردند به اعتباری که قرآن می‌فرماید: (وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) حال مراد، مصداق ستاره و ماه و خورشید را در این سخنی که می‌فرمایید، اولیاء معصوم گرفته‌اند که به نظر می‌آید همین‌طور باشد. موفق باشید